

صفات ذات و صفات فعل - استاد وطن دوست

مقدمه:

در معناشناسی صفات الهی باید به چندین اصل مهم توجه نمود:

- * توجه به نقش ماده واژه در رساندن معنا
- * توجه به نقش هیأت واژه در رساندن معنا
- * توجه به معنای جامع و روح معنا که براساس اصل اشتراک معنوی هر یک از صفات الهی می‌توانند داشته باشند.
- * توجه به صفاتی که در آموزه‌های دینی اعم از آیات و روایات آمده است. دلیل این امر آن است که «حکیم» و «معصوم» در بکارگیری ماده و هیأت واژگان به خطا نمی‌روند.
- * توجه به اصل اشتراک معنوی در مشتقات گوناگونی که از یک ماده و ریشه هستند.
- * توجه به زدودن جهات نقص از خداوند، درباره آن دسته از صفات کمال که میان انسان و خدا مشترک می‌باشد.

۱. علم فعلی = ظهور فعل برای ذات

الف. علم فعلی عین فعل است و تفاوت آن اعتباری است.

ب. تغییر در علم فعلی امکان دارد چون برابر با تغییر در فعل است نه تغییر در ذات.

ج. ظاهر برخی از آیات قرآنی که برای خدا نوعی علم جدید مطرح می‌کند بر علم فعلی حمل خواهد شد.

د. چون علم فعلی همان فعل است و فعل خدا (موجودات) مراتب دارند پس علم فعلی نیز مراتب خواهد داشت.

لوازم عقلی صفت علم فعلی:

۱. سمیع بودن = علم به مسموعات داشتن

ماده سمع: از بررسی مشتقات گوناگون این واژه این نتیجه به دست می‌آید که «سمع» به معنای ادراکی است که از راه شنیدنی‌ها حاصل می‌شود. این معنا همان معنای جامع واژه است. همچنین باید توجه داشت که ابزار یعنی «أذن» در معنای جامع این واژه اخذ نشده است. پس اگر این واژه در معنای ابزار حس به کار رود از نوع مجاز مرسل با علاقه مسبب و سبب خواهد بود؛ یعنی مسبب که همان «سمع یا علم از راه شنیدنی‌ها» می‌باشد بیان شده و سبب که همان «سمع» می‌باشد، اراده شده است.

۲. بصیر بودن = علم به مبصرات داشتن

ماده بصیر: از بررسی مشتقات گوناگون این واژه این نتیجه به دست می‌آید که «بصیر» به معنای ادراکی است که از راه دیدنی‌ها حاصل می‌شود. این معنا همان معنای جامع واژه است. همچنین باید توجه داشت که ابزار یعنی «عین» در معنای جامع این واژه اخذ نشده است. پس اگر این واژه در معنای ابزار حس به کار رود از نوع مجاز مرسل با علاقه مسبب و سبب خواهد بود؛ یعنی مسبب که همان «بصیر یا علم از راه دیدنی‌ها» می‌باشد بیان شده و سبب که همان «عین یا چشم» می‌باشد، اراده شده است.

۳. خبیر بودن = علم به مخبرات داشتن

ماده خبر: از بررسی مشتقات گوناگون این واژه این نتیجه به دست می‌آید که «خبر» به معنای ادراکی است که از راه اخبار دیگران حاصل شده باشد و قابل صدق و کذب باشد. احتمال دیگر این است که این واژه از مشتق از «خبراء» به معنای «زمین نرم» گرفته شده باشد که در این صورت وقتی گفته می‌شود «خبیر» یعنی شخم زنده زمین از آن جهت که زمین را برای کشت آماده می‌سازد. «الخبیر: الأكار، لأنه يخابر الأرض، أی یواکرها»

در هر سه صفت «سمیع»، «بصیر» و «خبیر» هیأت واژگان بر وزن «فعلیل» است که بر استمرار و ثبوت دلالت دارد.